

آوارگان لهستانی، نظامیان عشرت آباد و تیفوس



بسیار بدی خوابانیده بودند.
۲- قریب یکهزار نفر از اطفال دگور که در سنین مختلف می‌باشند در آسایشگاه‌هایپاماگپهداری می‌شوند.
۳- تعدادی زن و مرد نیز در حدود ۴۰۰ تن در قسمتی از ابنیه هنگ ۲ بمباران منزل کرده‌اند و قریب هزار تن هم قرار بود امروز وارد شوند که در موقع خروج کمیسوین از محوطه عده‌ای از مهاجران از خاک‌شوروی به داخل ایران، عده‌ای را آنها در داخل اردوگاهشان در شمال غرب تهران، به علت وجود معضلاتی مانند کیمید مواد غذایی و فقدان بهداشت عمومی و نبودن اعمال نظافت‌ها و مراقبت‌های لازم از مرز کشور عبور کرده و با تمام کتافت‌ها و وضعیت نامطلوب خود وارد تهران شده‌اند و عموماً در حال حاضر هم به همان صورت نیز باقی هستند و عموماً بر اثر فقدان امکته کالفی یا یکدیگر

عمومی و زندگی دسته‌جمعی-که به طور طبیعی این وضع در میان آوارگان جنگی عموماًتباد دارد- به بیماری‌های مسری دچار شده بودند. با ورود آنها به ایران این بیماری‌ها نیز به علت دلایل ذکر شده به داخل کشور پورده بودند تهران که جمعیت‌شان در این شهر زیاد بود، انتقال یافت. یکی از اسناد در تاریخ ۱۳۲۷/۱۱ از وضع غیربهداشتی آنها در اردوگاه کتور چنین بیماری‌هایی را در اردوگاه گسترش داد. چنانکه مؤید احمدی، در جلسه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۲۷/۲۹ می‌نویسد:
«طی موح عشت‌آباد به دلیل کمبود بودجه از تنش ۶ ماه است که عموماً در قفسه‌های بیمارستانی تیفوس از عشرت‌آباداست»

پیش‌زمانه بروز برخی بیماری‌ها در عوم عشت‌آباد به بیماری‌های مسری دچار شده بودند. با ورود آنها به ایران این بیماری‌ها نیز به علت دلایل ذکر شده به داخل کشور پورده بودند تهران که جمعیت‌شان در این شهر زیاد بود، انتقال یافت. یکی از اسناد در تاریخ ۱۳۲۷/۱۱ از وضع غیربهداشتی آنها در اردوگاه کتور چنین بیماری‌هایی را در اردوگاه گسترش داد. چنانکه مؤید احمدی، در جلسه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۲۷/۲۹ می‌نویسد:

۱- حدود ۲ هزار زن و بچه به سنین مختلف در قسمتی‌شان سفندار (طوخالگها و نهارخورهای دانشکده نیروی هوایی) با نانیه مخلوط نمرترب و با یاس و پیاز کثیف روی هم ریخته و قریب ۲ هزار تن دیگر نیز در محوطه

بنا شده بودند با نانگه به طریق بالا در فضای آزاد بدون وسایل بهداشتی ممکن کرده‌اند.
۲- در قسمت جنوبی نهارخوری دانشکده عده‌ای از مریض‌های مبتلا به امراض مسریه و غیرمسریه را بدون رعایت اصول بهداشت به طور



فحشای متفقین در تهران

در منابع و اسناد متعدد مربوط به دوران اشغال ایران در سال ۱۳۲۰، ایاج به رفتارهای بی‌شرمانه سررازان متفقین و بویژه سررازان هندی و آمریکایی مطالب زیادی نوشته شده است. در یکی از منابع اینگونه نوشته شده است: «سررازان آمریکایی در اکثر کافه‌ترها و بارهای متعدد خیابان‌های لاله‌زار و اسلامبول، ضمن پایه‌گذاری به عمل ناهنجار و شرمار و به اتفاق زنان بنام دست می‌زدند. به طوری که کمتر خانواده‌های محترم تهرانی رغبت می کردند که حتی برای خرید میوه‌ها و لوازم زندگی از آنجا عبور کنند.» (ناصر نجمی، حوادث تاریخی ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ تیر ۱۳۲۲، تهران: انتشارات کتیبه صحن ۱۳۲۳)
آمریکایی‌ها همچنین در خیابان امیرلیاد یک باشگاه داشتند که مخصوص افسران و جردجان‌ران‌ش بود. در حالی که مردم ایران از گرسنگی در انتظار مرگ بودند، آنرا روزانه یک بسته به عنوان جیره در یافت می‌کردند. هر بسته از این جیره‌ها صرف ۵ تا ۶ نفر کالفی بود. در هر بسته نرغ و اقلام کسروها، لواچ نان، ۲ بطری وسکی، ۲ بسته سیگار و پنبامین‌های روزانه بود.آمریکایی‌ها به سرعت باشگاه امیرآباد را به مرکز فحشا تبدیل کردند (حسین فردوست: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ص۱۲۳) (۱۲۳

بیماری‌ها توسط مهاجران در شهرهای شمالی و تهران پراکنده شده بودند. بنابراین به علت شیوع این بیماری‌ها تلاش‌هایی صورت گرفت که از شیوع بیش از حد آن جلوگیری شود. وزیر بهداشت در شهریور ۱۳۲۷/۱۴ به نخست‌وزیر نوشت ضمن اشاره به نگرانی و رنج اهلی پایتخت از شایع شدن بیماری تیفوس، این خبر را هم به اطلاع مسطح خودرود، وزیراعلام قبل از ورود به بندرانزلی اعزام شده‌اند تا از ورود مهاجران بیمار از خاک‌شوروی به داخل ایران، عده‌ای را آنها در داخل اردوگاهشان در شمال غرب تهران، به علت وجود معضلاتی مانند کیمید مواد غذایی و فقدان بهداشت عمومی و نبودن اعمال نظافت‌ها و مراقبت‌های لازم از مرز کشور عبور کرده و با تمام کتافت‌ها و وضعیت نامطلوب خود وارد تهران شده‌اند و عموماً در حال حاضر هم به همان صورت نیز باقی هستند و عموماً بر اثر فقدان امکته کالفی یا یکدیگر

عمومی و زندگی دسته‌جمعی-که به طور طبیعی این وضع در میان آوارگان جنگی عموماًتباد دارد- به بیماری‌های مسری دچار شده بودند. با ورود آنها به ایران این بیماری‌ها نیز به علت دلایل ذکر شده به داخل کشور پورده بودند تهران که جمعیت‌شان در این شهر زیاد بود، انتقال یافت. یکی از اسناد در تاریخ ۱۳۲۷/۱۱ از وضع غیربهداشتی آنها در اردوگاه کتور چنین بیماری‌هایی را در اردوگاه گسترش داد. چنانکه مؤید احمدی، در جلسه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۲۷/۲۹ می‌نویسد:

۱- حدود ۲ هزار زن و بچه به سنین مختلف در قسمتی‌شان سفندار (طوخالگها و نهارخورهای دانشکده نیروی هوایی) با نانیه مخلوط نمرترب و با یاس و پیاز کثیف روی هم ریخته و قریب ۲ هزار تن دیگر نیز در محوطه

بنا شده بودند با نانگه به طریق بالا در فضای آزاد بدون وسایل بهداشتی ممکن کرده‌اند.
۲- در قسمت جنوبی نهارخوری دانشکده عده‌ای از مریض‌های مبتلا به امراض مسریه و غیرمسریه را بدون رعایت اصول بهداشت به طور

تلخی شهریور ۱۳۲۰ و ناگواری اتفاقی که بعد از آن دامن ایرانیان را گرفت، از آزاردهنده‌ترین بخش‌های تاریخ معاصر ایران است. انقدر که سیاستمداران عصر ملی شمن صنعت نفت و از چهارهالی تاثیر نگار از ماجرای خلق بدگلنگستان از نفت ایران، در بخشی از خاطراتش، با اشاره به تهدید نیروهای نظامی انگلستان بعد از اخراج مستشاران نفتی این کشور می‌نویسد: در باشگاه ایران برای کارمندان و سرکارآبان نطق مفصلی کردم و مردم را برای فداکاری تشویق کردم. در این نطق‌ها چه گفته‌ام نمی‌دانم ولی همین‌قدر مهم است که هر کس صدای مرا شنیده بود دست از جان شسته برای یکبار حاضر بود و آبان یکبارچه اجسادشان شده‌بود. این موقعیت تاریکی‌هایی قابل مطالعه جنگ جهانی دوم و دیدگاه پرخواننده لایگالانه، انصرف کنند لایگالانه طعمه حریق می‌شود و به‌علاوه اگر به این کار مایلتر کنند جنگ سوم جهانی است و می‌شود و این عواقب آنرا برای فرانسی می‌کند اینکه «تیفوس» به صورت اپیدمی درآمده است. در بیانهٔ دولت شهنشاهی علل شیوع تیفوس، دستگیری‌های ناشی از اشغال نظامی ایران، کمبود خواربار و در نتیجه سوءتغذیه، نبود آب آشامیدنی، انتقال مواد غذایی به شوروی و استقرار نظامیان خارجی اولیه به بیماری‌ها در کشور اعلام می‌شود. در همان روز و در زمانی که دولت بیپناهی خود را دربارهٔ شیوع بیماری‌ها منتشر کرد، تنها در تهران تلفات ناشی از تیفوس ۱۰۹ نفر و تیفونید ۵۷ نفر گزارش شده بود. البته این تعداد صرفاً شامل کسانی شد که مرگ آنها به ثبت رسیده بود. در آخرین روزهای سال ۱۳۲۱، وزیر بهداشتی وقت یعنی روز به استقبال مرگ می‌فرستد.



درباره بلاییکه متفقین به سر ایران آوردند

تیفوس شب‌عید ۱۳۲۲

به بهانه سالروز اعلام رسمی شیوع تیفوس در تهران

در پامل تاریخ ایران« تعبیر کرده‌است؟ شهریور ۱۳۲۰، همزمان با اشغال ایران از سوی متفقین، بلایای متعدد و فزونی‌ماندگیر ایرانیان می‌شود.قطعی، بیماری‌های واگیردار، کمبود نان و اقلام خوراکی، گرانی و تورم سرسام‌آور، ناامنی و یکجاری تنها اثرات کوتاه‌مدت اشغالی بود که بر اثر حفراتش، با کالفتی بزرگ به ضعف حکومت اقتاد مهاجرت گسترده از روستاها به شهرهای سراسر ایران می‌نویسد. در باشگاه ایران برای کارمندان و سرکارآبان نطق مفصلی کردم و مردم را برای فداکاری تشویق کردم. در این نطق‌ها چه گفته‌ام نمی‌دانم ولی همین‌قدر مهم است که هر کس صدای مرا شنیده بود دست از جان شسته برای یکبار حاضر بود و آبان یکبارچه اجسادشان شده‌بود. این موقعیت تاریکی‌هایی قابل مطالعه جنگ جهانی دوم و دیدگاه پرخواننده لایگالانه، انصرف کنند لایگالانه طعمه حریق می‌شود و به‌علاوه اگر به این کار مایلتر کنند جنگ سوم جهانی است و می‌شود و این عواقب آنرا برای فرانسی می‌کند اینکه «تیفوس» به صورت اپیدمی درآمده است. در بیانهٔ دولت شهنشاهی علل شیوع تیفوس، دستگیری‌های ناشی از اشغال نظامی ایران، کمبود خواربار و در نتیجه سوءتغذیه، نبود آب آشامیدنی، انتقال مواد غذایی به شوروی و استقرار نظامیان خارجی اولیه به بیماری‌ها در کشور اعلام می‌شود. در همان روز و در زمانی که دولت بیپناهی خود را دربارهٔ شیوع بیماری‌ها منتشر کرد، تنها در تهران تلفات ناشی از تیفوس ۱۰۹ نفر و تیفونید ۵۷ نفر گزارش شده بود. البته این تعداد صرفاً شامل کسانی شد که مرگ آنها به ثبت رسیده بود. در آخرین روزهای سال ۱۳۲۱، وزیر بهداشتی وقت یعنی روز به استقبال مرگ می‌فرستد.



جنگ جهانی برای ما چه داشت؟

عمومیت قطعی و بیماری در ۱۳۲۱، به نحوی بود که در خاطرات چهره‌های شاخص تاریخی هم به آن اشاره شده است. به طور مثال آل‌احمد در شرح حالی می‌نویسد: همین جوری‌ها دیربسان تمام شد و توشیح «دبیلمه» آمد زیر برگ وودوم – در سال ۱۳۲۲ – یعنی که زمان جنگ، به این ترتیب است که جوانکی با انگشتری عقیق به دست و سر تراشیده و نزدیک به یک متر و هشتاد، از آن محیط مذهبی تحویل داده می‌شود به بلشوی روسیه که برای آن کارکنار را نداشت و خرابی و بیماریان را اما حلقی را داشت و تیفوس را و هرج و مرج را و حضور ازادفونه‌های اشغال‌کننده »



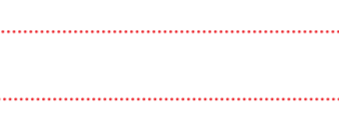
عمومیت شیش

قبل از آغاز سال جدید(۱۳۲۲) در اسفند سال ۱۳۲۱ نمایندگان مجلس، وزیر بهداشتی را که آن زمان «مان‌الله اردلان» بود به سخن مجلس کشانده و از وی دربارهٔ وضعیت این بیماری در کشور سوال کردند.یکی از نمایندگان مجلس بعد از آنکه از قطعی و نان‌های اولیه می‌گوید از وزیر می‌خواهد تا فکری به حال گرسنگی و ضعف بنیه مردم کند و خواستار اقدام دولت برای جلوگیری از شیوع تیفوس در وسایل نقلیه عمومی مثل اتوبوس‌ها و درشکها و حمام‌های عمومی می‌شود. «- کمتر کسی است که برود حمام و چند دانه شیش در لباسش پیدا نشود این است که تقاضای می‌کنم به اداره شهراری تذکر بدهند که اینها را ضدعفونی بکنند. کار مشکله هم نیست، هم وسایل نقلیه را می‌شود ضدعفونی کرد و هم حمام‌ها را به وسیله گوگرد ضدعفونی بکنند.»



علی‌اصغر حکمت، وزیر وقت بهداری ۶ ماه بعد از اشغال ایران به نخست‌وزیر درباره پیش‌بینی شیوع بیماری‌های واگیردار اطلاع می‌دهد: «نظر به اینکه بعضی از بیماری‌های واگیری عفونی مانند تیفوس بیم آن می‌رفت بیش از معمول سنواتی اشاعه یابد، وزارت بهداری لازم دید که به یک رشته اقدامات استخفاطیه دست بزند. البته موفقیت کامل در این اقدامات منوط ایس [مساعدت خاصی است که از طرف دولت باید نسبت به بهداری به عمل آید، از حیث اعتبارات اضافی و دادن اختیارات، و الا با وسایلی قابلیه که وزارت بهداری فعلا در دسترسش خود دارد اگر دامتس این گونه امراض توسعه یابد، مبارزه قطعی مشکل خواهد بود».

وی در نامه‌ای دیگر تاکید می‌کند: «کنون متأسفانه بیماری تیفوس، در این اواخر شیوع پیدا کرده، محتمل است که تا آخر زمستان بر شدت آن بفرزاید و همچنین احتمال می‌رود که بیماری از امراض واگیری دیگر مانند طاعون و وبا و غیره، حادتر نشود. در نتیجه آمد و شد غیرمحدود مسافران بیکاره در همسایگی کشور ما بروز بیماری‌ها و به واسطه کمی اذوقه و خواربار، که قهراً ستارم ضعف بنیه افراد و عدم مقاومت آنها در برابر هرگونه بیماری‌هاست بر اشتداد آنها افزوده شود.»



در این سال‌ها اشغال متفقین ا دارو بسیار گران و نایاب شده بود.

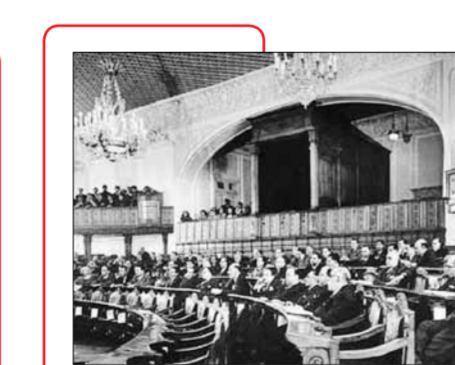


رواج بیماری‌های صعب‌العلاج، کمبود دارو و افزایش قیمت آن، ظلم و تعدی دارو فروشان، عدم تأمین دارو توسط مردم به خاطر فقر و فلاحت، عدم وجود وسیله نقلیه جهت انتقال پزشک به روستاها همگی پیامد ورود نیروهای اشغالگر شوروی به سببوزار بود. از امراض و بیماری که سبب‌ان سربرازان شوروی با خود به ارمغان آوردند تیفوس، تیفونید و نوعی حصبه بود که بیشتر مردم سبب‌ان را به آن مبتلا و در نتیجه عده زیادی بر اثر این امراض مردند. با اشغال خراسان و سببوزار توسط قوای شوروی عده زیادی از شهروانی که شوهران آنها در جنگ کشته شده بودند وارد منطقه شدند، عده مفید بودن آنها به مسائل اخلاقی و وجود جوانان هوس‌یاز باعث شیوع بیماری‌های لاعلاج شد چنانچه بسیاری از جوانان سببوزار مبتلا به بیماری‌های واگیردار شده و فوت کردند».

نتیجه این اتفاقات، تهران، با طعم تلخ بیماری و مرگ مردم به استقبال سوغتی‌های اروپایی آمد. غنای به نسبت مسوولیت جنگ خارجی اولیه به بیماری‌ها در کشور اعلام می‌شود. در همان روز و در زمانی که دولت بیپناهی خود را دربارهٔ شیوع بیماری‌ها منتشر کرد، تنها در تهران تلفات ناشی از تیفوس ۱۰۹ نفر و تیفونید ۵۷ نفر گزارش شده بود. البته این تعداد صرفاً شامل کسانی شد که مرگ آنها به ثبت رسیده بود. در آخرین روزهای سال ۱۳۲۱، وزیر بهداشتی وقت یعنی روز به استقبال مرگ می‌فرستد.

رواج بیماری‌های صعب‌العلاج، کمبود دارو و افزایش قیمت آن، ظلم و تعدی دارو فروشان، عدم تأمین دارو توسط مردم به خاطر فقر و فلاحت، عدم وجود وسیله نقلیه جهت انتقال پزشک به روستاها همگی پیامد ورود نیروهای اشغالگر شوروی به سببوزار بود. از امراض و بیماری که سبب‌ان سربرازان شوروی با خود به ارمغان آوردند تیفوس، تیفونید و نوعی حصبه بود که بیشتر مردم سبب‌ان را به آن مبتلا و در نتیجه عده زیادی بر اثر این امراض مردند. با اشغال خراسان و سببوزار توسط قوای شوروی عده زیادی از شهروانی که شوهران آنها در جنگ کشته شده بودند وارد منطقه شدند، عده مفید بودن آنها به مسائل اخلاقی و وجود جوانان هوس‌یاز باعث شیوع بیماری‌های لاعلاج شد چنانچه بسیاری از جوانان سببوزار مبتلا به بیماری‌های واگیردار شده و فوت کردند».

نتیجه این اتفاقات، تهران، با طعم تلخ بیماری و مرگ مردم به استقبال سوغتی‌های اروپایی آمد. غنای به نسبت مسوولیت جنگ خارجی اولیه به بیماری‌ها در کشور اعلام می‌شود. در همان روز و در زمانی که دولت بیپناهی خود را دربارهٔ شیوع بیماری‌ها منتشر کرد، تنها در تهران تلفات ناشی از تیفوس ۱۰۹ نفر و تیفونید ۵۷ نفر گزارش شده بود. البته این تعداد صرفاً شامل کسانی شد که مرگ آنها به ثبت رسیده بود. در آخرین روزهای سال ۱۳۲۱، وزیر بهداشتی وقت یعنی روز به استقبال مرگ می‌فرستد.



برزرگر گرسنه و جیش بریتانی سیر



ملک‌الشعراى بهار در یک شعر معروف، از نقش متفقین و بویژه انگلیس در ایجاد فحطی در تهران انتقاد کرده و خطاب به آنها گفته است:

همه برید و چریدید و بگردید انبار
رزحوب و زبغول و زبیل و زرزغال
برزرگر گرسنه و جیش بریتانی سیر
شهر بی‌نوشه وارو زخورش مالا مال
که کشیده است که مهمان بخورد، هم برید
هم نهان سازه، و هم سوزد اگر یافت محال

هشدارهایی که به جایی نرسید



در این سال‌ها اشغال متفقین ا دارو بسیار گران و نایاب شده بود. نه تنها مردم بی‌ضاعت توانایی خرید دارو را نداشتند و اغلب از بیماری می‌مردند، بلکه مردمان صاحب سرمایه نیز توانایی خرید دارو نداشتند. قیمت یک دانه امپول که سابقاً یک شیلینگ بود به یک لیره و پنج شیلینگ و یک عصبه قرص که سابقاً ۳ شیلینگ بود به یک لیره و نیم افزایش یافته بود. حتی صابون که از لوازم بهداشتی محبوب می‌شود نایاب بود و عامه مردم قادر به خرید و مصرف آن نبودند. زیرا چربی روغن‌های نباتی و گلیسرین تماماً به شوروی ارسال می‌شد و مردم قادر به تأمین نخستین و ضروری‌ترین‌ها نبودند. (درباره سوم فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۲۵۳، ص ۲۵۸)

این وضعیت در شهرهای مختلف حاکم بود. برای مثال در گزارش‌های وزارت جنگ در استان فارس آمده که بیماری تیفوس، مالاریا و… که تا آن موقع سابقهٔ نداشت، در زمان جنگ در لار، جهرم و شیراز بسیار شیوع یافته است و باعث تلفات زیادی شده است و رئیس بهداری فارس نیز در آن وضعیت پست خود را ترک کرد و به تهران آمد. وضعیت به‌گونه‌ای بود که در استان فارس یک گرم کتیون که برای درمان تب و مالاریا استفاده می‌شود، پیدا نمی‌شد. (اسناد سال ۱۳۲۲، پوشه ۱۳۲۲، به شم - ۲۰۲۲، پایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی) مشکل دیگری که در رابطه با مسائل بهداشتی وجود داشت، کمبود پزشک بود. برای مثال در شهری مانند قزوین که جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر داشت، به ازای هر ۵۰ هزار نفر یک پزشک وجود داشت. این عده معهود پزشکان نیز به ویزیت کم قانع نبودند و فقط اختصاص به اغنیا و ثروتمندان داشتند که علاوه بر پرداخت ویزیت مکنی، قدرت و استطاعت خرید داروهای گران‌قیمت را داشته باشند. مردم فقیر و بی‌ضاعت حتی اگر می‌خواستند با فروش گلیم پارهای خود، پول ویزیت را تهیه کنند، تسوان خرید دارو را نداشتند. در شهر دشتیای و شیرازات و یک قسمت از روملد که مرکز پوشه مالاریاست، اغلب رازعین گرفتار تب می‌شدند و اداره بهداری از پرداخت قرص در میان این رازعین خودداری می‌کرد. روزنامه اطلاعات، شم - ۵۴۷۰، مورخ ۱۳۲۰/۷)

تصاویر مربوط به اردوگاه آوارگان لهستانی در ایران

گزارش موردی از آثار اشغالگری متفقین در سبزو ار

بیکبری این مسأله، گزارش‌هایی خلاف واقع درباره وضعیت نامطلوب بهداشت در سبزو ار به مقامات اعلام می‌کرده است. خوشبختانه این مطلب پنهان نماند و اداره بهداری سبزو ار به موازات آن وزارت بهداری مورد توییح قرار گرفتند. با مأموریت یافتن یکی از روسای ادارات مرکزی شهرستان مبنی بر تسفص در این باب، وی گزارشش از وضعیت بهداشتی دارو و رواج امراض و بیماری در سبزو ار تهیه کرده است. در بخشی از گزارش مذکور چنین ذکر شده: «پاسخ نامه ۹۰۹۲/۱۴ تاریخ ۲۱/۹/۲۲ استحضاراً به عرض می‌سازد، وضع بهداشتی این شهرستان برخلاف آنچه از وزارت بهداری اطلاع داده‌اند چندان رضایت‌بخش نیست. داروی رنگین دیگر اقدامی برای اطفاى این مرض در هعات به عمل نیامده و شهر هم به آنکه به قرار معلوم مبارزه برای بهداری ممکن است، اقدامی از قبیل بخش‌داری رنگین‌ها به اشخاص بی‌ضاعت معمول نگشته است. بهداری این شهرستان باتمصدی است دوافروشان سبزو ار هم به یک به نوبه خود

معالجه امراض می‌نمایند، دوافروش مؤانته بهداری مستقیماً نغته و به مرض می‌دهد، وضع بیمارستان نامطلوب و از حیث دارو و غذا سایر هزینه‌های لازم در مضیفه و سختی است.

با گذشت زمان نه تنها وضعیت بهتر نشد، بلکه وضع رادر بدتر هم شد. با رفتن دکتر پیروز نامی از شهر، سر و کار مردم با نرف پزشک غیرمتخصص و پزشکان سنتی افتاد. این وضعیت تا آنجا پیش رفت که خوشبین، رئیس ادارتی شهرستان سبزو ار گزارشی که به اداره کل بررسی‌ها ارسال کرد، برآورد شدن وضعیت دارو در شهرستان ابراز ناامیدی و بیان کرد هیچ‌گونه امید بهبودی وضعیت نیست.

نان نبود

یکی از نمایندگان خراسان در مجلس شورای ملی، درباره وضعیت کشور و مردم در مقطع حضور متفقین در تهران و شیوع بیماری تیفوس می‌گوید: « یک رقم ۲ نفر مرگی در این ۱۰ ماهه بوده است که هزار و شصتد و چهار نفر از این عده تلف شده بودند. اینها علت تلف شدن‌شان این بود که نه غذا داشتند نه غذا، نه طبیی و نه پرستار و نه مکان، یعنی مرض اشغالی و علت فوشان فقط و فقط بیچارگی است. بنده عقیده‌ام این است که اگر بخوانهند مبارزه با امراض بکنند باید کاری بکنند که مردم از گرسنگی نمیرند. این نان مباححتاج عمومی است، اگر برای افراد نان تهیه شود، بنده نگرانی چندان راجع به مرض ندارم.»

